آتیلا بلای آسمانی: هجوم و استیلای بنیان کن آسیا بر اروپا (2)

جمال زاده، سید محمد علی

در مدرسهء عالی علیکده زبانهای انگلیسی و سانسکریت و عربی و فارسی‏ و علم تاریخ و ریاضی و غیره تعلیم میشود.هشت نفر استاد فرنگی و عدّهء زیادی معلّمین بومی دارد.معلّم عربی علاّمه هورویتز معروف از مستشرقین است.

سیّد احمد خان علاوه‏بر وطن‏پرستی و سعی در نشر تعلیم و ترقّی‏ در مملکت خود که بزرگترین فضائل او است و ویرا شخص بزرگ و مشهور مشرق زمین کرده شخصا عالم و نویسنده هم بوده و مؤلّفات و مقالات زیادی از او نشر شده.از کتاب«آثار الصّنادید»او که بزبان‏ فرانسه هم ترجمه شده‏1و کتاب دیگر وی در باب شورش هند که‏ بانگلیسی نیز ترجمه شده ذکری گذشت.علاوه‏بر ایندو کتاب وی کتاب‏ دیگری در شرح توارة در سه جلد و کتابی در تفسیر قرآن نوشته و مقالات و رسائل بیشماری در زمینه‏های مذهبی و اجتماعی و تعلیمی نوشته‏ که از آنجمله رساله‏ای در باب سیرت حضرت رسول است.

این بود مختصر سیرت یا تاریخ زندگی یک مرد بزرگ شرقی که‏ نه فتوحات با شمشیر کرده و نه خطیب سیاسی و نه وزیر و امیر و نه پیشرو یک فرقهء سیاسی بود ولی خدمتی که وی بمملکت جاهل و ملّت عوامّ و متعصّب و بدبخت خود کرد قابل قیاس با خدمات هیچ کسی در ایران در صد سال گذشته نیست.آیا مقدّر نیست که ایران بدبخت نیز عوض‏ اینهمه محیی اللّه و محیی الدّوله‏ها یک سیّد احمد خانی پیدا کند؟

مطالب این مقاله مأخوذ است از دائرة المعارف اسلامی مادّهء«احمد خان»و«آلیکار»و مقالهء مرحوم جرجی زیدان در مجلّهء الهلال عربی‏ (شمارهء اوّل از سال هفتم مورّخهء 15 جمادی الأولی سنه 1316)و دائرهء المعارف آلمانی«سایر».

در تواریخ هجری که در مقاله آمده اغلب مسامحه شده یعنی هر سنهء میلادی را بیک سال هجری که قسمت بزرگتر آن باهم مطابق بوده تحویل‏ کردیم و درواقع بایستی بهر سال میلادی دو سال هجری ذکر شود.

آتیلا بلای آسمانی‏ هجوم و استیلای بنیان‏کن آسیا بر اروپا (قسمت دوّم)

در قسمت اوّل این مقاله در شمارهء گذشتهء کاوه ما سعی نمودیم که تا حدّی‏ که درخور گنجایش روزنامه بود اوضاع اروپا را در آن زمان یعنی در دو سه قرن قبل از ظهور اسلام که مطابق اواسط دورهء سلطنت ساسانیان‏ میشود روشن نمائیم و انگاه بذکر استیلای قوم هون از نژاد مغول بر اروپا پرداخته و رسیدیم بظهور آتیلا از پادشاهان نامی آن قوم که شرح حال‏ و فتوحات و اعمال او موضوع این مقاله است و پس از آنکه در شکل‏ (1)در سنه 1861 میلادی در پاریس بطبع رسیده.

و شمایل و اخلاق او شمّه‏ای سخن رفت اکنون در این قسمت دوّم از مقاله‏ میرسیم ببالا گرفتن کار او و رقابت و پنجه در پنجه نمودن او با دولت‏ معظّم روم.

آتیلا و دولت روم

چنانکه در قسمت اوّل این مقاله در شمارهء پیش گذشت آتیلا از سنهء 441 میلادی رسما بنای آزار و اذّیت روم را گذاشته و در همان سال‏ ببهانهء اینکه خلیفهء شهر مارگوس‏1که شهری بود سرحدّی واقع در ساحل جنوبی(راست)دانوب نزدیک به بلگراد کنونی مخفیانه وارد مزار پادشاهان هون شده و ذخایر آنجا را دزدیده است بنای تاخت‏وتاز را در خاک روم در ایالت قدیمی مزی‏2که تقریبا بلغارستان و سربستان‏ کنونی میشود گذاشت و از آن ببعد هر روز ببهانه‏ای شهری را آتش زده‏ و جمعی را بهلاکت میرساند و اغلب بهانه‏های او راجع بود باجرای موادّ عهدنامه‏ای که در آغاز سلطنت خود با امپراطور روم شرقی تئودوس‏3 دوّم(408-450 میلادی)بسته بود و موافق یکی از موادّ آن مبلغی که‏ سالیانه دولت روم بپادشاه هون میداد از 350 به 700 لیرهء طلا بالا برده شده‏ بود.خلاصه آنکه در سنهء 447 میلادی آتیلا از نو بنای تاخت‏وتاز را در خاک روم نهاد و با کمال خونخواری و بیداد از ایالات تراس و مکدونیّه‏ گذشته و پس از ویران نمودن 70 شهر عمده نزدیک شد بقسطنطنیّه که‏ پایتخت روم شرقی بود و امپراطور پس از آنکه دوبار شکست فاحش خورد و سلطنت خود را در چنان خطر مهلکی دید خواستار صلح گردید و آتیلا هم قبول نمود و از آن پس مقرّر گردید که خراجی که دولت روم شرقی‏ به آتیلا میداد به 100`2 لیرهء طلا سالیانه بالا برده شود و بعلاوه امپراطور مجبور شد که فورا بعنوان خراج عقب‏افتادهء چندساله مبلغ 000`9 لیره هم نقد تقدیم آتیلا نماید و سپس بهیچ‏وجه رعایای آتیلا را در خاک خود پناه‏ ندهد.ولی آتیلا باین آسانیها دست‏بردار نبود و عاقبت امپراطور مجبور شد در عهدنامهء صلح تازه‏ای که میان آتیلا و دولت روم شرقی بسته‏ شد ناحیهء بزرگی از خاک ساحل راست دانوب را باو واگذارد و برای‏ مذاکرات درخصوص این عهدنامه سفارتی بدربار آتیلا فرستاد که خیلی‏ مشهور است و جزئیات آن در تواریخ مانده چونکه پریسکوس‏4نامی از (1) Margus

(2) Me?sie

(3) Theodosus II مشهور به‏ تئودوس جوان که قانون تئودوسی مشهور بامر او ایجاد شده است.

(4)پریسکوس (Priscos) مورّخ رومی(اصلا یونانی است)که چنانکه در ذیل‏ خواهد آمد با هیئت سفارتی که از طرف امپراطور روم شرقی سابق الذّکر(تئودوس‏ دوّم)بدربار آتیلا فرستاده شد همراه بود و کتابی درخصوص آتیلا تألیف نموده که‏ بسیاری از معلومات قطعی که اکنون دربارهء آتیلا در دست است از آن کتاب مأخوذ است و در آنجا راجع باین عهدنامه مذکور است که قرار شد که دولت روم تمام هونهائی را که جلای وطن نموده و بخاک روم گذشته بودند عودت بدهد و 000`6 لیرهء طلا از بابت‏ خراج عقب‏افتاده بپردازد(و از آنجائیکه خراج مزبور قبل از این عهد عبارت بود از 700 لیرهء طلا برای هر سال لهذا معلوم میشود که خراج مزبور هشت نه سال پرداخته‏ نشده بوده است).بعلاوه بنا شد دولت روم من بعد سه برابر خراج سابق یعنی‏ 100`2 لیرهء طلا سالیانه خراج بدهد و از آن پس نیز دولت روم قبول نمود که برای هر نفر هونی که معلوم شود در خاک روم باقی مانده و عودت داده نشده 12 لیرهء طلا بپردازد.

مورّخین رومی همراه این سفارت بخاک هونها آمد و و هرچه دید و فهمید نوشت و آن نوشتها باقی مانده است.دربار بیزانس یعنی روم شرقی در موقع‏ فرستادن این سفارت تنخواهی بیک نفر داده و او را هم با سفارت خود همراه‏ نموده بودند و او متقبّل شده بود که آتیلا را بقتل برساند ولی این توطئه مکشوف‏ گردیده و شخص مزبور بچنگ آتیلا افتاد و اقرار بسؤ قصد خود نمود و عجب‏ آنست که شخصی مثل آتیلا که خود را«بلای آسمانی»و«چکّش دنیا» مینامید از زجر و شکنجهء چنین شخصی که میخواست برای صد لیرهء طلا او را بقتل برساند صرف‏نظر نمود و انتقام خود را در آن دانست‏ که دو نفر از بستگان خود را بسفارت بدربار امپراطور روم تئودوس‏ که محرّک این کار بود بفرستد و کیسهء پولی را که برای قتل آتیلا بشخص‏ مزبور داده بودند بگردن یکی از دو سفیر خود بیندازد و دو نفر ایلچی‏ مزبور بدون تغییر لباس و با کیسهء مذکور بگردن در مقابل امپراطور آمده و خطاب بامپراطور چنین سخن رانند:«آتیلا پسر مؤندزوخ و تو که تئودوس هستی هر دو پسر پدران با نام و ننگی هستید.آتیلا احترام‏ پدر نگاه داشت ولی تئودوس مقام خود را از دست داد چونکه باتیلا خراجگذار شد و بدینواسطه قبول نمود که حکم غلام آتیلا را پیدا نماید.

اکنون معلوم میشود که این غلام بدجنس فاسد خواسته دامی برای آقای‏ خودش بگسترد و چون این کار او ناحقّ است آتیلا همیشه او را ظالم‏ خواهد خواند...».دربار روم برای ترضیهء خاطر آتیلا هیچ کاری را فروگذار نکرد و ببدترین و افتضاح‏انگیزترین اقدامات تن داد ولی رام‏ نمودن آتیلا باین آسانی صورت‏پذیر نبود و مشار الیه با فعالیّت هرچه‏ تمامتر مشغول تدارک کار خود بود و در یکی از روزهای سال 450 میلادی دو نفر از فرستادگان وی یکی در مقابل امپراطور روم شرقی‏ و دیگری در مقابل امپراطور روم غربی حاضر شده و گفتند:«آتیلا خداوند من و تو بتو حکم مینماید که برای او قصری تدارک کنید که‏ خواهد رسید».

ولی پیش از آنکه بشرح عواقب این واقعه بپردازیم باید چند کلمه در خصوص خیالات و مقاصد آتیلا بگوئیم.پریسکوس مورّخ سابق الذّکر که‏ چنانکه گفتیم بمصاحبت هیئت سفارت امپراطور روم شرقی بدربار آتیلا رفته‏ بود درخصوص شخص آتیلا و جزئیّات زندگانی و حرم و مسکن و اخلاق‏ و هم مقاصد و نیّات جهانگیری او تفصیلات مشروحی نوشته که خیلی خواندنی‏ است و از آنجمله مثلا تفصیل مرکز سلطنت آتیلا را-که اگرچه حتما در خاک مجارستان کنونی بوده ولی هنوز هم در محلّ صحیحش اختلافاتی در بین‏ علما است و بعضی همان قسمت شرقی شهر بوداپست پایتخت مجارستان را میدانند و بعضی دیگر شهر توکای را که در سی فرسنگی شمال شرقی‏ بوداپست واقع است و بالأخره بعضی دیگر در نقاط و اماکن ما بین دو محلّ مذکور یعنی در سرزمین واقع بین دو رودخانهء تائیس و دانوب‏ تقریبا در ده فرسنگی شرقی بوداپست فرض میکنند-شرح داده و همچنین‏ تفصیل دقیق و مشروحی راجع بساختمان منازل سلطنتی که همه چوبی بوده‏ و منزلگاه خود آتیلا که در وسط بوده و منزلگاه زنهایش که خیلی متعدّد بوده‏اند در اطراف آن و هم تفصیل تجمّلات خانه و لباس زنهای آتیلا که‏ شکوه و جلال زنهای بزرگان پایتخت روم را بنظر میآورده است و تماما بوسیلهء چپاول و غارت بدست آمده بوده است در آن کتاب ذکر شده.

در خانه‏های زنهای آتیلا و زنهای بزرگان هونها بهترین فرشها و پربهاترین‏ ظروف طلا و نقره دیده میشده و مخصوصا جواهر آلات باندازه‏ای زیاد بود که حتّی روی کفشهای خود را هم با مروارید پوشانده بودند ولی‏ خود آتیلا همیشه در ظروف چوبی غذا میخورد و لباس ساده ولی پاکیزه‏ میپوشید و جتّی تاجش هم از«آهن زنگ‏زده بود».خلاصه پریسکوس‏ موّرخ سابق الذّکر مینویسد که در همان سنهء 448 که وی در دربار آتیلا بوده روزی با سفیری که از طرف امپراطور روم غربی در همان‏ اوقات بدربار آتیلا آمده بود ملاقات نمود و سفیر مذکور که شخص‏ کاردان و باتجربه‏ای و موسوم به رومولوس‏1بود درخصوص آتیلا چنین سخن راند:«بلی،بخت و اقبال چنان با این شخص همراهست‏ که دیگر حتّی حرف بگوشش فرو نمیرود...و حقیقة هم باید اقرار کرد که چه در خاک اسکیت‏ها2و چه در جای دیگر هیچکس در یک‏ مدّتی بدین کوتاهی این همه کارهای عمده از پیش نبرده است و حالا که‏ تمام خاک اسکیت‏ها را تا جزایر اقیانوس‏3در تحت اطاعت خود آورده‏ و ما را هم خراجگذار خود نموده باز هم خیالات بزرگتری در دیگ‏ کلّهء خود میپزد و قصد استیلای بایران را دارد»بشنفتن این اظهارات‏ یکی از مستمعین که رومی بود و با سفرا آمده بود که جزو منشیان آتیلا که همه رومی بودند شده و در خدمت آن پادشاه داخل شود پرسید که آتیلا از کدام راه میتواند قشون بخاک ایران بکشد و رومولوس جواب داد که هونها راه ایران را خوب میشناسند چونکه چندی پیش از این آنها تاخت‏وتازی از همین راه در خاک ایران نموده‏اند و شرح این مسئله‏ چنان است که در آن زمان در خاک هونها(واقع در شمال قفقاز)قحط و خشکسالی واقع شد و چون مملکت روم شرقی هم بمناسبت جنگی که در آن‏ وقت در بین بود نیمخواست با آنها زدوخورد نماید وزیخ‏4و کورزیخ‏5 که هر دو از دودمان سلطنتی هونها بوده و بدستهء عظیمی فرمانفرما بودند و بعدها هم برای عقد عهد اتّحادی بشهر رم(پایتخت سلطنت روم‏ غربی)آمده بودند تا خاک مدی(یعنی قسمت شمال غربی ایران)راندند و حکایت کردند که پس از عبور از یک صحرا و یک دریا همینکه پانزده روز راه پیمودند از کوهی گذشته و بخاک مدی رسیده بودند و مشغول غارت‏ و جلو رفتن در آن خاک بودند که یک دسته از لشکریان ایرانی رسیده‏ و«تگرگ تیر را»بانها باراندن گرفته بودند و هونها مجبور شده بودند (1) Romulus

(2) Scythes (بفرانسوی سیت تلّفظ میشود)اسم‏ قومی است بسیار قدیمی که عموما بحالت ایلیاتی در سرزمین شرقی اروپا و نواحی شمال‏ غربی آسیا سکنی داشته‏اند و بسیار زورآور و قوی ولی خیلی بدعمل و پلید و شهوت‏ پرست بوده‏اند.قوم مذکور در قرن هفتم قبل از میلاد مسیح بین الّنهرین را استیلا نموده‏ و کوروش پادشاه ایران را مغلوب نمودند و بعدها در سنهء 513 قبل از میلاد هم در حوالی‏ دریای سیاه صدمهء بسیاری بقشون داریوش هخامنشی وارد آوردند.[منقول از کتاب‏ «تاریخ روابط روس و ایران»ضمیمهء کاوه،شمارهء 12 از سال اوّل دوره جدید، صفحهء 42،حاشیهء 1].

(3)ظاهرا مقصود جزایر واقع در دریای بالتیک(دریای شرقی در شمال‏ ایالت کنونی پروس است.

(4) Wasich

(5) Kursich

که خود را از دشت عقب کشیده و بطرف کوهستان فرار نمایند و در آن بین ایرانیها قسمت عمدهء غنایم آنها را از دستشان گرفتند و هونها برای‏ آنکه از تعقیب دشمن مصون باشند راه دیگری غیر از راه آمدنشان گرفته‏ و از منابع نفت باکو عبور کردند و پس از ایّامی چند بخاک خود رسیدند1.

در سنهء 450 میلادی اوضاع بقراری بود که گذشت.قوّت و قدرت‏ آتیلا بمنتهی درجهء کمال رسیده بود و بقول ژوردانس‏2مورّخ که خود معاصر آتیلا بوده«گروه پادشاهان و سران ملل مختلفه باوامر او مثل‏ بچّه‏ها اطاعت مینمودند و بمحض اینکه آتیلا چشمش را برمیگرداند نفسها گرفته میشد و همه هراسناک میگردیدند و هرچه او میگفت همان میکردند.

ولی خود او که پادشاه پادشاهان بود مقامش بالاتر از همه و بفکر همه‏ بود3».آتیلا که عظمت قوّت خود را بخوبی حسّ میکرد در پی بهانه‏ای‏ بود که بروم حمله برده و آن سلطنت را نیز مضمحلّ نموده و بکلّی بی‏منازع‏ بماند و چنانکه گفتیم هیچوقت بهانه برای آتیلا کم نبود.قریب پانزده یا شانزده سال قبل از آن هونوریا4خواهر امپراطور مشهور روم غربی‏ والانتی‏نین‏5(425-455 میلادی)از روی جوانی و نادانی محرمانه انگشتری‏ بآتیلا فرستاده و خود را نامزد او خوانده بود ولی آتیلا اعتنائی بدینمطلب نکرد و هونوریا بنای بدعملی را گذاشت و مورد سیاست مادرش گردید و سالها گذشت که هیچ اظهاری از طرف آتیلا در این خصوص نشده بود ولی‏ دفعة سفیری از طرف آتیلا رسید و با شدّت لهجهء هرچه تمامتر از آزاری‏ که از طرف کسان هونوریا بوی وارد شده بود شکایت نمود و مطالبهء جهاز او را نمود که بنا بتوقّع آتیلا عبارت بود از نصف مملکت روم‏ غربی.ولی رومیها فورا دختر را بشوهر داده بودند و سفیر آتیلا را دست خالی برگرداندند.خاطر آتیلا چون از اینطرف آزرده شد در پی‏ بهانهای دیگر برآمد و بنای جمع‏آوری قشون گذاشت و با ژنسریک‏6 رئیس قوم واندالها از اقوام ژرمنی که ذکر آنها گذشت و به قرطاجنّه و بسایر نواحی شمالی آفریقا دست یافته بود محرمانه عهد اتّحادی بست و در اوایل سال 451 میلادی با لشکر عظیمی بحرکت آمده و بطرف خاک‏ (1)مارکوارت در«ایرانشهر»صفحهء 7-96. J.Marquart:Era?ns?ahr- Berlin,1001,S.96/97

(2) Jordauis (بزبان گوتی یورناندیس- (Jornandis مورّخ گوتی(آلانیّ الأصل) که در حدود سنهء 500 میلادی متولّد گردیده و در حدود سنهء 560 میلادی وفات نمود.

(3) Grata justa

(4) Honoria

(5) Valentinian III Flavius Placidus Valentinianus) )

(6) Genseric یا Geiserich (Gensirit-Geisericus) پادشاه قوم واندال سابق‏ الذّکر(در قسمت اوّل مقاله در شمارهء گذشتهء کاوه)از اقوام ژرمنی بود که در سنهء 428 میلادی بسلطنت رسید و در 429 با قشون معظّمی از خاک اسپانی بآفریقا گذشته و بتدریج بر تمام مستملکات رومیها در آفریقا دست یافت و تمام شهرها را معرض‏ نهب و غارت قرار داد و پس از عهدنامهء صلحی که در سنهء 435 میلادی با روم بست‏ پادشاه مقتدر و معظّمی شد و بعدها با کشتیهای جنگی خود بخاک روم تاخته و حتّی در سنهء 455 شهر رم را که پایتخت مملکت روم بود گرفت و 14 روز تمام لشگریان وی‏ مشغول نهب و قتل و غارت بودند و بالأخره زن قیصر روم و دختران وی را باسیری‏ گرفته و با خود بافریقا برد و دختر قیصر را بزنی بپسر خود داد و پس از تاخت‏وتازها بخاک مصر و سواحل آسیای صغیر در سنهء 477 میلادی درگذشت و امروز در زبانهای فرنگی کلمهء«واندالیسم»که از اسم قوم مذکور مشتقّ است وحشگیری و خونخواری و بیداد را میرساند.

گول‏ها(فرانسه کنونی)که جزو قلمرو دولت روم بود روان شد.

شرح قشون آتیلا در این موقع در صفحات تاریخ برای ما باقی مانده‏ است.هیچوقت پس از لشکرکشی پادشاه بزرگ هخامنشی خشایارشا (495-485 قبل از میلاد)بخاک یونان چشم اروپا چنین سپاه معظّمی ندیده‏ بود.قشون مزبور که عدّهء آنرا بعضی مورخّین هفتصد هزار نفر نوشته و بطور یقین از یک کرور نفر کمتر نبود مرکّب بود از اقوام متعدّد آسیای و اروپائی‏ هر کدام با اسلحهء مخصوص خود:هیاطله(هونهای سیاه ترکستان)و خزرها با ترکشهای بلند،آلانها با نیزهء طویل و زره شاخی،ژلون‏ها1با بدنهای‏ خطّ و خال‏دار و داسی که بجای اسلحهء آنها بود و با کلاه‏خودی که از پوست انسان ترتیب داده شده بود،ژرمنها(گونهای شرقی)با سلاح‏ آهنین سنگین و خیلی اقوام دیگر از هون و غیرهون که ذکر آنها موجب‏ اطناب میگردد.بهانهء آتیلا در قشون‏کشی بخاک گول‏ها سرکوبی گونهای‏ غربی بود که رومها آنها را در خاک گول جا داده بودند و آتیلا آنها را از رعایای فراری خود بشمار میآورد.قشون آتیلا در ماه اذار رومی سنه‏ 451 میلادی از رودخانهء رن عبور نموده و وارد خاک گول شد و بزودی‏ بر تمام خاک بلژیک و بر همان قطعاتی از خاک فرانسهء کنونی که در موقع‏ جنگ اخیر عمومی نیز میدان زدوخورد گردیده بود دست یافتند و حتّی هونها میمنهء قشون خود را تا باقیانوس اطلس هم رساندند.هونها پس از آنکه بسیاری از شهرهای گول‏ها را(اجداد فرانسه‏های امروزی) با خاک و خون یکسان نمودند رسیدند در مقابل شهر مشهور اورلئان‏ که واقع است در تقریبا در 10 فرسنگی جنوب پاریس و آن شهر را محاصره نمودند ولی در همان اوان آئی‏سیوس سردار مشهور رومی سابق‏ الذّکر با قشونی از رومیان و گوتهای غربی که پس از گفتگو و تردید بسیار بالأخره حاضر بهمراهی با قشون روم و جنگ با آتیلا گردیده‏ بودند در رسید و مانع از خرابی شهر مذکور گردید و تاریخ این واقعه‏ در 23 حزیران سال مذکور یعنی 451 میلادی است و جای آن دارد که تمام ملل و اشخاص تمدّن‏دوست این روزا مبارک دانسته و جشن‏ بگیرند چه اگر در آن روز جلوی قشون خونخوار و سبع هونها گرفته‏ نشده بود خدا میداند که تمدّن مغرب که امروز هم تمامی کرهء زمین‏ ریزه‏خوار خوان اوست از آن لطمهء مهلک دیگرچه وقت میتوانست‏ قدّ علم نماید.آتیلا در مقابل قشون روم و گوتهای غربی شبانه عقب‏ نشسته و بطرف شمال شرقی یعنی بطرف شهرهای مستحکم مشهور کنونی‏ وردن و متز که اسم آنها در موقع جنگ اخیر عمومی اروپا بهر گوشی‏ رسیده روان شد.مورّخین قدیمی اسم ناحیه مزبور را«میدانهای‏ کاتالونی‏2»نوشته‏اند.قشون روم و متحدّین او از بربرها یعنی غیر رومی هم معلوم است در تعقیب آتیلا هیچ‏گونه تأخیری را جایز ندانستند و در نواحی مذکور در فوق دو قشون بیکدیگر نزدیک شدند و آتیلا جز قبول جنگ چاره‏ای نداشت و پس از نطق مفصّلی که خطاب بلشکر خود نمود جنگ شروع شد.تفصیلاتی را که مورّخین در خصوص این‏ جنگ نوشته‏اند چنان هول‏انگیز و موحش است که شخص هر قدر هم‏ (1) Les Ge?lons

(2) Les champs Catalauniques

کاوه » شماره 53 (صفحه 9)

پردل باشد از خواندن آن هراسناک گردیده و مو بر بدنش راست میشود.

از جمله مینویسند جوئی از میان دشتی که میدان جنگ گردیده بود میگذشت‏ و در آن موقع تقریبا خشک بود ولی همینکه جنگ شروع شد و آن همه‏ اقوام متعدّد مختلف سبع‏وار بجان یکدیگر افتادند طولی نکشید که سیل‏ خون در جوی مذکور افتاده و جوی خونابه روان شد و تمام مجروحینی‏ که در آن موقع خواستند عطش خود را از آن خوناب تسکین دهند مسموم گردیده و همانجا جان میدادند.جنگ در سه ساعت بعد از ظهر روز مذکور شروع شد و آن قدر طول کشید که شب رسید و تاریکی‏ و ظلمت مانع از مداومت آن گردید و فردای آن روز همینکه نور خورشید میدان جنگ را روشن نمود چنان منظرهء وحشتناکی در مقابل چشم دو قشون‏ جلوه‏گر گردید که از دو طرف فریاد فزع و وحشت بلند گردید چونکه‏ قریب صد و پنجاه هزار نعش بروی هم توده گردیده و زمین میدان جنگ را بکلّی از نظر غایب نموده بود.ولی با اینهمه معلوم نبود کدام طرف غالب‏ است و کدام طرف مغلوب.قشون آئی‏سیوس همینکه دید که آتیلا دوباره‏ اقدام بشروع جنگ ننمود فتح و ظفر را با خود دانست درصورتیکه آتیلا برخلاف بهیچوجه آثار مغلوبیتّی ظاهر نمیداشت و مدام چکاکاک اسلحه‏ و نفیر بوق و شیپور از اردوگاهش بلند و گوش را کر مینمود و بقول‏ تییری‏1موّرخ فرانسوی سابق الذّکر حالت شیری را داشت که در کنام‏ خود محصور شده و راه پیش و پس بر او بسته باشد و با غرّش خود لرزه بر اندام هر جانداری و حتّی خود شکارچی که او را محاصره نموده است‏ بیندازد.ولی آتیلا بمحض آنکه فهمید که تئودوریک‏2(419-451 میلادی) پادشاه گوت‏های غربی در جنگ کشته شده و گوت‏ها از قشون آئی‏سوی‏ جدا شده و بطرف سرزمین خود یعنی جنوب خاک گول برگشته‏اند مصمّم‏ بعقب نشستن گردیده و با شکوه و عظمت هرچه تمامتری بطرف رودخانهء رن روان شد که از آنجا بمرکز سلطنت خود برگردد.قشون روم هم با احتیاط تمام بنای تعاقب او را گذاشت ولی جرئت نزدیک شدن نداشت‏ و بیشتر محض حفظ ظاهر و مانع شدن از تأخیر آتیلا در اقامت در خاک‏ گول بود.آتیلا در همان سال بمرکز سلطنت خود رسید درصورتیکه‏ از عاقبت قشون‏کشی خود بسیار ناراضی و در دیگ کلّهء خود نقشه‏های تازه‏ای در گرفتن انتقام از روم می‏پخت.

لشکرکشی آتیلا بخاک روم

آتیلا پس از رسیدن بادروگاه خود بدون فوت وقت مشغول بتهیّه و تدارک‏ کار قشونکشی تازه‏ای گردیده و در سال بعد یعنی 452 میلادی در عین‏ سرمای زمستان با قشون عظیمی از رودخانهء دانوب گذشته و وارد خاک روم‏ غربی(یعنی خاک ایتالی)گردید و از رودخانهء سونتیوس‏3(ایزونزوی‏4 معروف کنونی)هم عبور کرده و پس از آنکه تمام ناحیهء حاصلخیز و بارآور ونیزی را هم با خاک و خون یکسان نمود رسید در مقابل شهر قدیمی مشهور آکله‏5(واقع در ساحل شمالی دریای آدریاتیک در نزدیکی‏ تریست)و پس از سه ماه محاصرهء سختی شهر را گرفته و بکلّی خراب و ویران نمود چنانکه از آن ببعد دیگر از آن شهر معظّم و مشهور جز قصه‏ای نمانده.در همان اوان امپراطور روم غربی والانتی‏نین شهر راون‏1را که از سنهء 404 میلادی پایتخت چندین امپراطور روم غربی‏ گردیده بود از ترس هجوم هونها رها نموده و رفت به شهر رم.اهالی شهرهای‏ دیگر که رفتار سخت آتیلا را نسبت بشهر آکیله دیده عبرت گرفته و بهیچوجه‏ درصدد مدافعهء خویش برنیامده و فرار را بر قرار ترجیح داده‏ هر کس توانست جان خود را خلاص نماید نمود و قشون آتیلا هم‏ بر تمام آن نواحی دست یافته و بطرف خاک لیگوری‏2یعنی شمال‏ غربی ایتالی و سرحدّ کنونی ایتالی و فرانسه روان گردیدند و بسی از شهرهای معتبر را ویران نمودند که از بعضی از آنها امروز دیگر تقریبا هیچ اثری نمانده.تمام قسمت شمالی ایتالی در دست آتیلا بود و وی‏ بنظر میآمد که قصد دارد بطرف جنوب روان شود ولی گرمای تابستان‏ رسیده بود و در میان قشون هونها هم بعضی ناخوشیها بروز کرده و خط و غلا هم که نتیجهء مستقیم چپاول و تاخت‏وتاز بود شدّت کرده‏ و هونها هم که غنایم بیجدّی بدست آورده بودند و دیگر عرّابهایشان‏ جا نداشت مایل بودند هرچه زودتر بخانمان خود مراجعت نمایند.

بعلاوه روم غربی از روم شرقی کمک خواسته بود و در افواه جریان‏ داشت که مارسین‏3(450-457 میلادی)امپراطور روم شرقی نه فقط قشونی بکمک بایتالی فرستاده بلکه قشونی نیز گسیل نموده که بخاک آتیلا رفته و تمام آن سرزمین بی‏مدافع را ویران نماید.نظر باین ملاحظات آتیلا عجله داشت که هرچه زودتر رم را هم گرفته و کار را یکسره نماید و در این راه شروع باقداماتی نمود.اهالی رم چون از قصد آتیلا خبردار گردیدند بکلّی سراسیمه گردیده و بهر نحوی بود خواستند آتیلا را از آمدن برم باز دارند و مصمّم بفرستادن هیئتی پیش او گردیده و پاپ روم‏ لئون‏4اوّل مشهور به لئون بزرگ را که پس از پطروس مقدّس از حواریّون حضرت مسیح اوّلین پاپ مسیحیان بود با دو نفر از مشاهیر اعضای مجلس سنا بسفارت نزد آتیلا فرستادند و آتیلا تقاضای آنها را در نرفتن برم قبول نمود ولی در عوض مقرّر شد که روم خراج هنگفتی‏ باتیلا بدهد.عهدنامهء صلح در 6 ماه تموز رومی سال 452 منعقد گردید و آتیلا از رفتن برم صرف‏نظر نموده و عطف عنان بطرف مقرّ سلطنت خود نمود و باز در موقع مراجعت بدولت روم اعلام نمود که منتظر است که نامزد وی هونوریای سابق الذّکر را با خزاین وی‏ باتیلا بفرستند و الاّ خود در بهار آتیه در طلب او بروم خواهد آمد.

قشونی هم که امپراطور روم شرقی مارسین بکمک روم غربی فرستاده بود همینکه خبر انعقاد صلح را شنیدند بقسطنطنیّه مراجعت نمودند.آتیلا پس از رسیدن بمقرّ سلطنت خود فورا از قسطنطنیّه مطالبهء خراج نمود و چون امپراطور جواب سخت داد آتیلا نیز پیغام فرستاد که در این‏ صورت در بهار نزدیک خود او برای اخذ خراج با لشکر خونخوار بقسطنطنیّه روان خواهد شد ولی قضا و قدر مهلت انجام این خیالات را بدو نداد و چندی پس از مراجعت از خاک روم در سنهء 453 پنجهء آهنین‏ مرگ گریبان‏گیر او گردید و او را از زحمت دنیا و دنیا را از زحمت او خلاصی بخشود.مورّخین در اسباب مرگ او اختلاف نموده‏اند بعضی‏ گفته‏اند که در شب عروسی با ایدوکو1که برحسب روایات منقوله‏ دختر یکی از پادشاهان ژرمنی بود که مغلوب آتیلا شده بود خون در گلویش گیر کرده و از آن سبب مرده است و برخی دیگر همین نوعروس‏ ژرمنی را کشندهء او میدانند.خلاصه پیش از آنکه دست زمان جسد آتیلا را از هم متلاشی نماید نفاق و اختلاف جانشینان وی سلطنت‏ معظّمی را که یک ربع قرن ارادهء قوی و پنجهء قهّار او در پهنای آسیا و اروپا برپا نگاه داشته بود بکلّی از هم پاشید و طولی نکشید که جز اسمی‏ که از قوم خونخوار هون بر مملکت«هونگار»[مجارستان‏]که مرکز سلطنت آتیلا بود باقی مانده دیگر اثری که دارای اهمیّتی باشد از آن همه‏ خونریزی و غدّاری و بیداد برجای نماند و در همان سرزمینهائی که‏ در زیر سم اسب مغول و هون بایستی بقول آتیلا دیگر سبزه و گیاه نروید شاخهای برومند تمدّن و معرفت سایه‏افکن گردیده و تمام جهان و جهانیان‏ و حتّی اخلاف همان هونها را هم از تمتّعات عالیه خود بهره‏مند ساخت و فرمودهء پیمبر پارسی زردشت بزرگ صادق آمد که همیشه فتح و فیروزی‏ با نور و روشنائی خواهد بود چنانکه شاعر معاصر2گفته:

و خشور اشو زرتشت در زند چنین فرمود کاهریمن ابا هرمز دیک چند شود پیچان‏ بر لشکر اهریمن آسیب و گزند افتد آنگاه برافروزد پرچم سپه یزدان

\*\*\* در همان ایّامی که مقالهء فوق بپایان رسیده بود در روزنامهای برلن‏ در تحت عنوان«کشف تابوت آتیلا»اخباری دیده شد حاکی بر آنکه در همین اوقات اخیر در قعر رودخانهء آرانکا3در نزدیکی ناگی سنت میکلوس‏4 از خاک مجارستان تابوتی پیدا شده که باحتمال قوی تابوتی است که جسد آتیلا را در آن گذاشته و بخاک سپرده‏اند.این تابوت عبارت بوده است از یک تابوت طلائی که خود آن نیز در تابوت ثانوی دیگری که از نقره بوده‏ گذاشته شده بوده است و باز این تابوت نقره نیز در تابوت ثالثی بوده‏ که از آهن بوده است.تییری موّرخ سابق الذّکر فرانسوی برحسب‏ ذکری که ژوردانس مورّخ گوتی قدیمی سابق الذکر که تقریبا یک‏ قرن قبل از اسلام میزیسته در کتاب خود از ترتیبات کفن و دفن آتیلا نموده مینویسد که چون آتیلا مرد پس از مراسم عزاداری جسد او را در تابوتی از طلا گذاشته و آن تابوت را نیز در تابوت دیگری از نقره‏ گذاشتند و سپس هر دو تابوت را نیز در تابوت سوّمی از آهن جای دادند و این عمل دلالت بر آن داشت که آتیلا بزور شمشیر آهنین رعایا و اتباع‏ خود را از طلا و نقره مستغنی داشت.و انگاه آب رودخانه را برگردانده‏ و در مجرای آن در جائی که احدی را جز پسران و مقرّبان دربار بر آن‏ وقوفی نبود قبر وسیعی کنده و تابوت را محض آنکه از دستبرد زمانه‏ و ابناء زمان مصون و در پناه باشد در آنجا جای داده و روی آنرا با سنگ‏ و آهک بسته و دوباره آب را در مجرای رودخانه انداختند و کارگران و عمله‏ایرا نیز که در آن کار دخیل بودند تمام را پس از انجام کار سر بریدند که این راز سر بمهر بماند1.

باید دانست که این ترتیب کفن و دفن اصلا در زمانی که ما از آن‏ صحبت میداریم دربارهء بزرگان و سران نامدار و والا مقام معمول بوده‏ چنانکه تفصیل دفن و کفن پادشاه و سرکردهء مشهور قوم گوت موسوم‏ به آلاریک اوّل که در قسمت اوّل این مقاله ذکر او رفته کمال شباهت را با دفن و کفن آتیلا داشته است.وقتیکه مشار الیه پس از آنکه سه بار پایتخت معظّم روم را محاصره و معرض قتل و غارت قرار داده بود در سنهء 410 وفات نمود لشکریان وی جسد او را بهمان قراری که درخصوص‏ جسد آتیلا مذکور گردید در سه تابوت گذاشته و آب رودخانهء بوزینتو2را که رودی است در جنوب خاک ایتالیا برگردانده و آلاریک را در زیر مجرای رود مذکور بخاک سپرده و دوباره آب را در مجرای خود انداختند.

علاوه‏بر تابوت آتیلا در اطراف همان محلّی که تابوت مذکور پیدا شده از چندین سال باینطرف مبالغی مسکوکات طلا و آلات و ادوات‏ قدیمی از زیر خاک پیدا شده که بمجموع آنها اسم«کشفیّات آتیلا3» داده‏اند و در خزینهء«هوفبورگ»4در وینه محفوظ است.

سیّد محمّد علی جمال‏زاده.

پولهای اساسی‏ و مقیاسهای مختلفه

مقالهء ذیل شرح مفید است بقلم جناب آقا میرزا عبّاس خان اعظم‏ السّلطنه نایب اوّل سفارت ایران در برلین که در باب مقیاس اساسی‏ پولهای متداوله که موضوع مهمّی است و بدرد همه میخورد مرقوم‏ داشته‏اند و روزنامهء کاوه با تشکّر مخصوص آنرا درج میکند.نویسندهء محترم مقاله از جوانان لایق و با فضل عهد جدید است و در رشتهء علوم‏ اقتصادی تحصیلات نموده.مقالهء دیگری هم بقلم جناب ایشان در شمارهء آینده دائر باعتبار و معنی علمی آن درج خواهد شد.

مسئلهء مقیاس پول‏5در ترقّی و توسعهء تجارت و اعتبار هر مملکتی‏ اهمیّت تامّ دارد.متأسّفانه تا آغاز جنگ بین المللی این مبحث از مسائلی‏ بود که در ایران ندرة طرف توجّه و مطرح مذاکره واقع میشد ولی در هنگام جنگ مسئلهء تفاوت تسعیر وجوهات مختلفه بتدریج باعث‏ شد که تجّار و صرّافان و معامله‏چی‏های ایرانی توجّه خود را بیشتر بمسائل‏ پولهای خارجه معطوف بنمایند.چون برحسب اتّفاق در هنگام جنگ بواسطهء اشتغال عمله‏ها در کارخانهای نظامی و جهات دیگر حاصلات نقره بزیادی‏ ایّام سابق نبود طبعا قیمت نقره بالا رفت و چون ایران دارای مقیاس‏ نقره است این مسئله نیز یکی از علل مهمّهء ترقّی پول ایران نسبت بپولهای‏ خارجه شد.